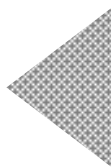


سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی



محسن ردادی^۱

(تاریخ دریافت ۸۷/۸/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۷/۱۱/۲۰)

چکیده

سرمایه اجتماعی به دلیل توانایی در توضیح بسیاری از پدیده‌های جامعه مدرن، توانسته است جایگاه مهمی را در ادبیات علمی جهان کسب نماید. در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی به نوعی از این مفهوم استفاده می‌شود و به یک مفهوم بین‌رشته‌ای تبدیل شده است. از جمله حوزه‌هایی که در سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، حوزه امنیت اجتماعی است. این مقاله به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی می‌پردازد.

در جامعه بیمار، روابط به شکلی در جریان است که اعتماد تولید نمی‌شود. انحرافات اجتماعی بالفعل نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی است. یکی از راه‌های مهم افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه تقویت «هنجارهای اجتماعی» است. هنجارها موجب تقویت همیاری، انسجام‌بخشی و کاهش کنترل رسمی شهروندان می‌گردد و به این صورت امنیت اجتماعی را تقویت می‌نماید. این مقاله پیشنهاد می‌کند که برای افزایش امنیت اجتماعی، به سرمایه اجتماعی توجه شود. با انباشت سرمایه اجتماعی در طول زمان می‌توان از بسیاری از جرایم پیشگیری نمود. در جامعه دینی ایرانی تقویت هنجارهای اعتمادساز دینی می‌تواند کمک مؤثری در جهت افزایش سرمایه اجتماعی تلقی شود.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، هنجار

مقدمه

مدت زمان زیادی از معرفی سرمایه اجتماعی در جهان نمی‌گذرد، اما این مفهوم به سرعت در تمام محافل دانشگاهی دنیا نفوذ کرده است. زیرا سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی جدید، دامنه کاربرد و پژوهش بالقوه گسترده‌ای دارد و در رشته‌های علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد و تاریخ مطرح شده است.

به اختصار می‌توان گفت اگر سرمایه فیزیکی آن چیزی است که در ساختمان، زمین یا تجهیزات مولد وجود دارد، سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم، مانند اعتماد، باورها و... با این تفاوت که مالکیت سرمایه اجتماعی جمعی است و بهره‌برداری از آن، حتی ممکن است به افزایش آن بینجامد (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۲۸).

سرمایه اجتماعی به دلیل توانایی در توضیح بسیاری از پدیده‌های جامعه مدرن، توانسته است جایگاه مهمی را در ادبیات علمی جهان کسب نماید. در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی به نوعی از این مفهوم استفاده می‌شود و به یک مفهوم بین‌رشته‌ای تبدیل شده است. سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است و حجم ادبیات دانشگاهی و سیاسی مرتبط با آن به سرعت در حال افزایش است. این مسأله به ویژه در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا صادق است و یکی از دلایل وجود آن، ماهیت بسیار فردگرایانه روابط اجتماعی معاصر در این کشورهاست که به مسائلی همچون ازدواج‌های بی‌دوام، میزان زیاد جنایت، و از خودبیگانگی افراد منجر می‌شود (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۰).

از جمله حوزه‌هایی که سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، حوزه امنیت اجتماعی است. این مقاله به تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی می‌پردازد.

تعریف واژگان امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی در این مقاله به مفهوم جلوگیری از قانون‌شکنی به کار می‌رود. منظور از اجتماع امن، جامعه‌ای است که جرم و جنایت در آن کمترین آمار ممکن را دارد و عرصه اجتماع به دلیل وقوع جنایت، ناامن نیست. بنابراین در این مقاله امنیت اجتماعی به معنای Social security که به «تأمین اجتماعی» ترجمه می‌شود، نیست.

تعریف سرمایه اجتماعی

هر فرد دارای میزانی از سرمایه است. یعنی منابعی در اختیار دارد که می‌تواند آن را برای رسیدن به خواسته‌های خود به کار ببرد. اگر سرمایه فیزیکی چیزی است که در ساختمان و تجهیزات مولد وجود دارد، سرمایه مالی چیزی است که یک فرد در بانک دارد (پول)، و سرمایه انسانی چیزی است که در ذهن وجود دارد (آموزش و مهارت‌های مختلف)، سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۲۹) سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار ندارد (گرلی^۱، ۱۹۹۷).

سرمایه اجتماعی، توانایی بازیگران برای تضمین منافع خود با عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا ساختارهای اجتماعی می‌باشد (پورتز^۲، ۱۹۹۸). سرمایه اجتماعی مانند همه انواع سرمایه‌ها، قابل انباشته شدن است و در مواقع لزوم می‌توان آن‌ها را به کار گرفت. زمانی که جامعه با مشکل یا بحران مواجه شود، می‌تواند از سرمایه اجتماعی بهره‌گیرد. توانایی حل مشکل به وسیله سرمایه اجتماعی به ابعاد سازمان اجتماعی و شبکه اجتماعی باز می‌گردد.

سرمایه اجتماعی از رابطه میان افراد به وجود می‌آید. روابطی که میان افراد جامعه شکل می‌گیرد، اگر به اندازه کافی قوی باشد، می‌تواند موجب به وجود آمدن سرمایه اجتماعی گردد. سرمایه اجتماعی چیزی است که در این روابط وجود دارد و افراد و جامعه از آن در جهت پیشبرد اهداف خود بهره‌می‌برند. در واقع سرمایه اجتماعی عبارت است از توانایی اشخاص برای همکاری با یکدیگر در قالب گروه‌ها و سازمان‌های مختلف جهت نیل به اهداف مشترک (فوکویاما، ۱۳۸۲).

دو دوست از سرمایه اجتماعی برخوردار هستند. رابطه میان آنها به هر اندازه قوی باشد، به همان میزان از سرمایه اجتماعی بیشتر بهره‌مند می‌باشند. این سرمایه اجتماعی می‌تواند در جهت نیل به اهداف استفاده شود. مثلاً اگر یکی از این دو نفر نیاز به پول داشته باشد، می‌تواند از دوست خود قرض بگیرد. در اینجا رابطه دوستانه میان آنها موجب شده است که «اعتماد» به وجود آید و از این اعتماد می‌توان در جهت تأمین نیازهای شخصی استفاده کرد. هر جا رابطه اعتمادآمیز در جریان باشد، می‌توان آن را به عنوان یک سرمایه اجتماعی به کار گرفت.

۱ - Greeley

۲ - Portes

هنجار

هنجار اصول و قواعد پذیرفته شده رسمی و غیر رسمی است که جامعه با آن آشناست. در این مقاله بیشتر هنجارهای غیررسمی مورد نظر است. هنجار به فرد یک الگوی رفتاری می‌دهد که براساس آن عمل می‌نماید. هنجار می‌تواند ریشه در سنت اخلاقی و یا مذهب داشته باشد. مثلاً سنت یا مذهب به فرد می‌گوید دروغ نگوید، به اعتماد دیگران خیانت نکند و ... این هنجارها در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر هستند. هنجار برخی کنش‌های ضد اجتماع را محدود می‌کند. مثلاً ممکن است یک هنجار جلوی سودجویی ناشی از خیانت در امانت را بگیرد و از این طریق سرمایه اجتماعی را تقویت کند.

چنین نیست که هر مجموعه‌ای از هنجارهایی با مصداق عینی، به تشکیل سرمایه اجتماعی بینجامد، این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در اجتماع بینجامد و لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر این‌ها مرتبط‌اند (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی

یک جامعه سالم از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است. زیرا افراد جامعه با یکدیگر روابطی اعتمادآمیز دارند. افراد ضمن تأمین منافع خود، به دیگران نیز سود می‌رسانند و اگر سود بردن مستلزم زیان وارد کردن به دیگران باشد، از آن چشم‌پوشی می‌کنند و به راحتی اعتماد دیگران به خود را خدشه‌دار نمی‌نمایند.

در جامعه بیمار، روابط به شکلی در جریان است که اعتماد تولید نمی‌شود. در این جامعه هر کس به فکر نفع شخصی خود است و چون نمی‌تواند منافع خود را در ارتباط با دیگران تأمین نماید، سعی می‌کند به تنهایی منافع خود را در جامعه پی‌گیری نماید. در این حالت فرد ابایی ندارد که با پایمال کردن حقوق دیگران و جامعه منافع خود را تأمین کند و بنابراین دست به جرم و جنایت آشکار و پنهان می‌زند. مردم به یکدیگر اعتماد ندارند و برای این کار دلیل خوبی هم دارند. زیرا در این جامعه اگر فردی توانایی تصاحب چیزی را داشته باشد - حتی اگر این اقدام او باعث قانون‌شکنی و آسیب دیدن بقیه افراد جامعه شود - درنگ نخواهد کرد. پس افراد به تدریج یاد می‌گیرند که کسی اعتماد نکنند و این اعتقاد رایج می‌شود که هر کس به آنها نزدیک می‌شود، در صدد آسیب زدن به منافع آنهاست. در این جامعه سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد و علائم

بیماری جامعه کم کم نمایان می شود.

فقدان سرمایه اجتماعی مترادف با بروز انحرافات اجتماعی است. چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می کند، انحرافات اجتماعی بالفعل نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (اختر محقی، ۱۳۸۵: ۶۲).

علائم نشان دهنده فقدان سرمایه اجتماعی، آمارهایی از رفتارهای ضد اجتماعی است. عواملی که امنیت اجتماعی را خدشه دار می کند؛ مانند نژادپرستی، پارتی بازی، آشنا پروری، بی تفاوتی، تبعیض جنسی، طلاق، فروپاشی خانواده، افت تحصیلی، سوء استفاده جنسی، آدم کشی، اعتیاد و پخش مواد مخدر، کمبود سرمایه اجتماعی در جامعه را می رساند (اختر محقی، ۱۳۸۵: ۲۰).

همچنین وجود شاخص هایی همچون میزان جرم و جنایت، میزان قانون شکنی، وضعیت رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، میزان پر خاشگری و درگیری های خیابانی، میزان خیانت در امانت، میزان چک های برگشتی، میزان مصرف مواد مخدر، وضعیت طلاق، میزان مهاجرت، میزان دعاوی، میزان فرار از مالیات، میزان خودکشی و ... را ملاک کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه دانست (تحقیقی، ۱۳۸۵).

کلی و فرناندز^۱ در تأیید نقش سرمایه های اجتماعی در پیشگیری از آسیب ها مطالعاتی را انجام دادند (اختر محقی، ۱۳۸۵: ۱۴) و به این نتیجه رسیده اند که در جوامع فاقد سرمایه اجتماعی، میزان جرم و جنایت بیشتر است و خانواده ها معمولاً بی دوام هستند.

در تحقیقی دیگر در روسیه نشان داده شده که عدم وجود موازین مناسب اخلاقی و ضعف قانون، با این فرض که قانونمندی و پایبندی اخلاقی از سرمایه های اجتماعی هستند، منجر به فساد اداری، نابرابری، جرائم، آزار دختران جوان و خشونت شده است (اختر محقی، ۱۳۸۵: ۱۵). بنابراین رابطه علی میان سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی وجود دارد و می توان با تقویت سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی را در جامعه را گسترش داد و جرم و جنایت را کنترل نمود.

تأثیر هنجارها بر افزایش امنیت اجتماعی

یکی از راه های مهم افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه تقویت «هنجارهای اجتماعی» است. هنجارها روابط میان افراد جامعه را گسترش می دهند و اعتماد میان افراد جامعه را عمق می بخشند.

فرانسیس فوکویاما^۱ هنجارهای موجود در فرهنگ‌های مختلف را مولد سرمایه اجتماعی می‌داند. هنجارهایی که در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها وجود دارد، موجب پیوند یافتن مردم به یکدیگر می‌شود و همکاری بین دو یا چند فرد را به وجود می‌آورد (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۶۹). هنجارها به تنظیم روابط میان انسان‌ها می‌پردازند.

هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی، توسط جامعه تولید می‌شود و تمدن‌های بشری با تولید هنجارهای مورد نیاز برای تولید سرمایه اجتماعی، تا حد ممکن حیات جامعه را حفظ می‌کنند. اما اگر این هنجارها بی‌اثر گردند، سرمایه اجتماعی رو به نقصان می‌رود و در نتیجه مرگ جامعه فرا می‌رسد.

هنجارهای غیر رسمی به مرور زمان و بر اثر عقلانیت جمعی به وجود می‌آید. هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی حاصل تکرار همکاری‌ها میان مردم است. منشأ خودجوش هنجارها، بازی‌های تکراری از نوع دوراهی زندانی^۲ است. نتیجه یک دوره بازی، همکاری نیست. اما در صورت تکرار شدن بازی، راهبردی ساده چون «این به آن در» هر دو بازیکن را به همکاری راضی می‌کند. در نوبت‌ها و موقعیت‌هایی که از لحاظ نظری با تئوری غیر از نظریه بازی به توضیح در می‌آید، اگر افراد مکرراً با یکدیگر در طول زمان تعامل کنند، سرمایه‌ای به واسطه شهره شدن به درستکاری و قابل اعتماد بودن می‌اندوزند (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۸۹). افراد در جامعه به تدریج یاد می‌گیرند اگر به برخی هنجارها پایبند باشند، بهتر منافع خود را تأمین می‌کنند و کم‌کم این هنجارها درونی می‌شود و فرد به صورت خودجوش آن‌ها را انجام می‌دهد.

تقویت همیاری

هنجار است که فرد را وادار می‌کند نفع خود را فرو گذارد و در جهت منافع جمع عمل کند. هنجاری از این قسم که به پشتوانه حمایت اجتماعی، شأن و موقعیت، افتخار، و دیگر پاداش‌ها تقویت می‌شود، سرمایه‌ای اجتماعی است که جامعه را می‌سازند، اعضای خانواده را به ایثار و چشم‌پوشی از نفع شخصی به خاطر نفع خانواده وا می‌دارد و بدین ترتیب باعث تقویت خانواده‌ها می‌شود. رشد و بالندگی جنبش‌های نوپای اجتماعی را به مدد گروه کوچکی از اعضای فداکار،

۱- Francis Fukuyama

۲- Prisoners Dilemma: PD

درون‌نگر، و «اعضایی که متقابلاً به یکدیگر پاداش می‌دهند»^۱، تسهیل می‌کند و کلاً اشخاص را به سوی کار کردن برای خیر عمومی سوق می‌دهد. در بعضی از این موارد، هنجارها درونی شده^۲ هستند و در مواردی دیگر تا حدود زیادی از طریق پاداش‌های بیرونی که به اعمال ایثارگرانه تعلق می‌گیرند و یا تقبیح بیرونی اعمال خودخواهانه، تقویت می‌شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۵).

انسجام بخشی

هنجارها تأثیر دیگری نیز در تولید سرمایه اجتماعی و افزایش امنیت اجتماعی دارند. هنجارها موجب انسجام بیشتر افراد جامعه می‌شود. زیرا رفتار مردمی که هنجارهای مشترکی را پذیرفته‌اند، مشابه است. از نظر بین‌المللی چهار کشور از شش کشور با سرمایه اجتماعی بالا جزء کشورهای اسکاندیناوی بوده‌اند. بر عکس، ایالت‌ها و ملت‌هایی که ناهمگون‌تر بوده‌اند (مانند برزیل) سرمایه اجتماعی کمتری داشته‌اند. با بیان این مسأله، منظور این نبود که تمایل به ارتباط یک مسأله ژنتیک است و نژادهای خاص، بهتر می‌توانند ارتباط برقرار نمایند، بلکه منظور این است که مردم در پیش‌بینی رفتار انسان‌های همانند خود راحت‌ترند تا پیش‌بینی رفتار افرادی که با آنان فرق دارند (فیلد^۳، ۲۰۰۳: ۵).

سرمایه اجتماعی در بسیاری از موارد حاصل عضویت در یک اجتماع که هنجارهای اجتماعی و درون‌گروهی به اشتراک گذاشته شده است، می‌باشد. سرمایه اجتماعی می‌تواند در این حالت موجب فشار برای هم‌رنگ شدن با جماعت گردد (پورترز، ۱۹۹۶). سرمایه اجتماعی را می‌توان همبستگی جامعه معرفی کرد. این همبستگی، افراد جامعه را قادر می‌سازد که کارها را به صورت مؤثرتری انجام دهند (لاکهارت^۴، ۲۰۰۵). مال جامع‌علوم انسانی

در جامعه‌هایی که مردم انسجام بیشتری دارند، میزان جرم و جنایت کمتر است. به عنوان مثال در شهرهای کوچک که افراد انسجام بیشتری دارند، کمتر اعمال ضداجتماعی به چشم می‌خورد،

۱- Mutually rewarding members

۲- Internalized

۳ - Field

۴ - Lockhart

در صورتی که در شهرهای بزرگ، آمار جرم و جنایت بالاست. مردم با توجه به الگوهای پذیرفته شده در جامعه به تنظیم رفتار خود می‌پردازند و این الگوهای ذهنی با هم مشابهت دارند. همین مشابهت موجب می‌شود افراد بتوانند در روابط متقابل خود با دیگران، رفتار طرف مقابل را پیش‌بینی کنند. پیش‌بینی پذیر شدن اعمال و واکنش‌های افراد، موجب جلب اعتماد بین مردم می‌شود به همین دلیل است که افراد در میان انسان‌های مشابه خود احساس اطمینان و اعتماد بیشتری بروز می‌دهند.

کاهش کنترل رسمی شهروندان

در صورتی که بتوان یک هنجار را به صورت پایدار در جامعه رواج داد، می‌توان از منافع مادی سرمایه اجتماعی بهره‌مند شد. به عنوان مثال اگر در یک جامعه هنجاری وجود داشته باشد که دروغ‌گویی را به شدت منع کند و همه افراد راستگو باشند، چنان اعتمادی حاصل می‌گردد که نیاز به پلیس و ابزارهای بازرسی و نظارتی را از میان بر می‌دارد. ولی باید این هنجار در جامعه درونی شده باشد. درونی شدن هنجار به این معناست که فرد، یک سیستم ضمانت اجرایی درونی پیدا می‌کند که هر گاه کنشی را که به وسیله هنجاری منع شده، انجام می‌دهد یا کنشی را که به وسیله هنجار تجویز گردیده انجام نمی‌دهد، فرد را تنبیه می‌کند. اگر بتوان درونی گردانیدن هنجارها را با هزینه‌ای نسبتاً کم پدید آورد، وسیله کاراتری برای کنترل اجتماعی است تا نظارت خارجی کنش‌ها (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۴۷).

هر جامعه و فرهنگی، ابزارهایی را برای درونی کردن هنجارها به کار می‌گیرد. این ابزارها می‌تواند به صورت نرم یا سخت باشد. برخی از روش‌های درونی کردن هنجارها ممکن است بسیار خشن و همراه با تنبیه فیزیکی باشد. اما روش‌های دیگری نیز وجود دارد که هنجارها را به شیوه‌های نرم درونی می‌کند.

یکی از مهمترین این روش‌ها، اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیر نمودن افراد است. جامعه‌پذیری از همان دوران کودکی آغاز می‌شود و برخی هنجارهای پذیرفته شده در درون کودک، نهادینه می‌شود. جامعه‌پذیری در همه فرهنگ‌ها وجود دارد و معمولاً متخصصین علوم تربیتی، اهمیت زیادی به آن می‌دهند. زیرا اگر جامعه‌پذیری ناقص صورت گیرد و یا اصلاً در مورد فردی انجام نشود، هزینه مادی و غیرمادی زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند. زیرا این فرد به دلیل پیروی نکردن از هنجارهای جامعه، به سرمایه اجتماعی جامعه آسیب می‌زند و حس اعتماد میان افراد جامعه را

مورد حمله قرار می‌دهد.

افرادی که اجتماعی کردن در مورد آن‌ها بی‌اثر بوده است، به این معنا که نتوانسته‌اند بسیاری از هنجارهای اجتماعی را درونی سازند، جامعه‌ستیز نامیده می‌شوند. این قبیل افراد و کودکان خردسال، شاید برجسته‌ترین افرادی باشند که درونی گردانیدن هنجارها در آن‌ها حداقل است و کنش‌هایشان، اگر اصولاً تابع نظارت درونی باشد، تابع نظارت درونی اندکی است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۴۹).

بنابراین جامعه برای حفظ سرمایه اجتماعی خود، حاضراست هزینه گزافی را بابت درونی کردن هنجارها در میان اعضای جامعه بپردازد. زیرا هر مقدار که در این زمینه سرمایه‌گذاری شود، بازمه از هزینه کنترل کامل شهروندان پایین‌تر است و اصولاً نمی‌توان شهروندان را در همه حوزه‌ها کنترل نمود. اما هنجارهای درونی شده، حتی فرد را در خلوت و حوزه خصوصی کنترل می‌کنند.

آنچه در درونی کردن هنجارها اهمیت دارد، یافتن راه‌هایی است که بتوان با کمترین هزینه، بیشترین هنجار را درونی نمود. هر چه درونی کردن هنجار به صورت مؤثرتری صورت گیرد، سرمایه اجتماعی قوی‌تری به وجود می‌آید. بنابراین ابزارهای درونی کردن هنجارها باید با دقت و احتیاط مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال، در جامعه‌ای که مذهب، حضور پررنگی دارد، می‌توان به وسیله عناصر مذهبی، هنجارهای اجتماعی را درونی کرد. زیرا به این وسیله هنجارها به نحو مؤثری در روان افراد جاگیر خواهد شد.

نقش دولت در تولید سرمایه اجتماعی

بدیهی است که سیاست‌مداران و رهبران کشورها همواره خواهان افزایش سرمایه اجتماعی در کشور خود باشند تا با شهروندانی اخلاق‌مدار مواجه باشند. اما دولت‌ها کنترل چندانی بر سرمایه اجتماعی ندارند. زیرا عوامل ایجادکننده سرمایه اجتماعی، اغلب غیردولتی و غیر قابل برنامه‌ریزی می‌باشند.

به دلیل خاصیت انباشتی سرمایه اجتماعی، نمی‌توان انتظار داشت که در مدت کوتاهی بتوان ذخیره سرمایه اجتماعی را افزایش داد. عمر دولت‌ها برای ایجاد سرمایه اجتماعی بسیار کوتاه است. البته دولت‌ها تاحدی می‌توانند مانع از کاهش سرمایه اجتماعی شوند و حتی در حد توان خود سرمایه اجتماعی را افزایش دهند. فوکویاما معتقد است که کوتاه‌ترین راه ایجاد سرمایه

اجتماعی برای دولت‌ها از طریق تحصیلات است که سرمایه اجتماعی را برای افراد ایجاد می‌کند و آنان را به مشارکت در فعالیت‌ها و ارزش‌های مشترک قادر می‌سازد (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۲۸). در صورتیکه آگاهی مردم بالا رود، افق دید وسیع‌تری پیدا می‌کنند و به منافع سرمایه اجتماعی بیشتر واقف می‌شوند و در نتیجه به سوی تولید سرمایه اجتماعی از طریق پیروی از هنجارها حرکت می‌نمایند.

باید گفت که بر خلاف سیاست‌گذاری اقتصادی یا حتی سازماندهی نهادهای اقتصادی، سرمایه اجتماعی را نمی‌توان به آسانی از طریق دولت ایجاد کرد و یا به آن شکل بخشید. تولید هنجارهای مولد اعتماد، هنر اجتماع است و فقدان این هنر اجتماعی، موجب زوال جامعه می‌شود. مهم‌ترین منابع تولید سرمایه اجتماعی، در متن جامعه قرار دارند و در طول گذر زمان، سرمایه اجتماعی را تولید کرده و می‌کنند. انجمن‌های مدنی داوطلبانه به عنوان ابزار مهمی در جهت تولید سرمایه اجتماعی تلقی می‌گردد و در سیاست و اقتصاد تأثیر مثبتی دارند. این گروه‌ها وابسته به دولت نیستند.

به همین دلیل دولت فقط به صورت محدود می‌تواند در سرمایه اجتماعی و روند انباشت آن دخالت نماید. در واقع دولت‌ها اهرم‌های مشخصاً متعددی برای ایجاد بسیاری از اشکال سرمایه اجتماعی در اختیار ندارند. سرمایه اجتماعی در بسیاری موارد یکی از محصولات جنبی دین، سنت، تجربه مشترک تاریخی، و دیگر عواملی است که از اختیار هر دولتی خارج‌اند (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

نتیجه‌گیری

برای افزایش امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی کمک مؤثری است و با کمک انباشت سرمایه اجتماعی در طول زمان می‌توان از بسیاری از جرایم پیشگیری نمود. در جامعه دینی ایران، تقویت هنجارهای اعتمادساز دینی می‌تواند کمک مؤثری در جهت افزایش سرمایه اجتماعی تلقی شود. به نظر می‌رسد به عنوان بهترین راه برای افزایش سرمایه اجتماعی، تلاش باید از میان خود جامعه و مردم صورت گیرد. یعنی گروه‌های غیردولتی و نیز عناصر فرهنگی جامعه بیش از دولت و عوامل سیاسی در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی تأثیر دارد. به گفته رابرت پوتنام «اگر بخواهید در آمریکا یا در ایران سرمایه اجتماعی را افزایش دهید، آیا باید تلاش کنید خط مشی حکومت ملی را تغییر دهید یا کار خود را با عامه مردم آغاز می‌کنید؟ من خود شخصاً طرفدار استراتژی از پایین به بالا هستم» (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

منابع

- اختر محققى، مهدى (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعى**، بی‌جا: نشر مؤلف.
- تاج بخش، کیان (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعى، اعتماد، دموکراسى و توسعه**، تهران: نشر شیرازه.
- تحقیقى، امیر حسین (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعى، دولت و نهادها در ایران»، **اندیشه صادق**، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، شماره ۱۱ و ۱۲.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعى و تحول تکنولوژیک در عصر اطلاعات»، **اندیشه صادق**، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، شماره ۱۱ و ۱۲.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعى**، منوچهر صبوری، نشرنى.
- Field, John (2003), *Social Capital*, London, Routledge Pub.
- Greeley, Andrew (1997), Religious Structure as a source of Social capital, *The American Behavioral scientist*, Coleman revisited, Thousand oaks: Mar/ Apr 1997, Vol. 20, Iss. 5
- Lockhart, William H. Building Bridges and Bonds (2005), *Sociology of religion*, Washington, Spring 2005, Vol 6, Iss 1.
- Portes, A. and Landolt, P. (1996), The down Side of Social Capital, *American Prospect*, Vol. 26, may – June 1996
- Portes, Alejandro (1998), Social capital: Its origins and Applications in modern Sociology, *Annual Review of sociology*, 24, 1998
- Schuurman, Frans. J., *Third world Quarterly*, Vol 24, No. 6
- Svendsen, Gunnar and Sorensen (2006), Jens F.L., The Socioeconomic Power of Social capital, *The International Journal of Sociology and Social Policy*, Patrington, 2006, Vol. 26, Iss 9/1.